

# تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

● مقصود رنجبر \*

## چکیده

اسرائیل یکی از تهدیدهای جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در این تحقیق به دیدگاه‌های مختلف در مورد علل و زمینه‌های این تهدید اشاره شده است. همچنین تهدیدهای اسرائیل در دو سطح تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی قرار گرفته است. اسرائیل از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغی تهدیدی مستقیم بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در حال حاضر هم بالفعل‌ترین شکل تهدید اسرائیل، تهدیدهای تبلیغی است که همواره توأم با جنگ روانی بر ضد ایران بوده است. اسرائیل هم چنین از طریق روابط استراتژیک با کشورهای دیگر نظیر آمریکا و برقراری رابطه با کشورهای همسایه ایران نظیر ترکیه و آذربایجان، به‌طور غیر مستقیم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد.

## مقدمه

تولد نامشروع اسرائیل در منطقه خاورمیانه، وضعیت پیچیده‌ای را از لحاظ امنیت منطقه‌ای رقم زده است و تاسیس یک رژیم امنیت منطقه‌ای را با دشواریها و موانع حاد و اساسی مواجه ساخته است. اسرائیل سالهاست که منطقه خاورمیانه را با ناامنی روبرو

۲۳۴ ساخته و این روند همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه همواره در معرض تهدیدهای امنیتی این کشور بوده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، اسرائیل یکی از معضلات اصلی سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد. معمولاً مطالعات امنیتی حول دو محور تمديد و تدبیر می‌چرخد محور اول این مسئله، بررسی هرگونه تهدیدی از سوی سایر کشورها امنیت ملی ما را با معضل روبه‌رو می‌سازد و در تهدید نیز همواره با دو موضوع مواجهیم؛ یکی نیت و دیگری توانایی. پرسش این است، نیت یک کشور چیست و توانایی‌های آن برای انجام آن نیتها چه میزان است؟ معمولاً در مطالعات نظری و سیاستهای عملیاتی امنیت ملی، تدبیر امنیتی پاسخ به نیت قلمداد نمی‌شود؛ بلکه پاسخ به توانایی‌های صرف شده در راه این نیت است. اما در مورد تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه بر نیت این رژیم نیز دارای اهمیت اساسی است، چرا که خنثی کردن این نیت هم از بار تهدید آن می‌کاهد. در این مجال، چندان به تدابیر ایران در مقابل تهدیدهای اسرائیل نمی‌پردازیم چرا که خود مستلزم بحث مستقلی است و تنها به معرفی تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی کشورمان خواهیم پرداخت. در این تحقیق، سؤالات زیر را مورد بررسی قرار خواهیم داد: آیا در ذهنیت و ادراک امنیتی نخبگان کشورمان، اسرائیل یک تهدید امنیتی قلمداد می‌شود؟ آیا اسرائیل تهدید بزرگ، بالفعل، مستقیم و نظامی بر ضد ایران محسوب می‌شود؟ یا تهدید کوچک، بالقوه، غیرمستقیم و غیرنظامی بر ضد ایران است؟ ماهیت تهدیدهای امنیتی اسرائیل چیست؟ برتری هسته‌ای اسرائیل چه تأثیری بر تهدیدهای امنیتی این کشور دارد؟

در مجموع مسؤلان جمهوری اسلامی ایران نه تنها اسرائیل را تنها بزرگترین تهدید امنیتی ایران می‌دانند، بلکه این کشور را خطر بزرگی بر ضد امنیت منطقه خاورمیانه تلقی می‌کنند. این مسئله به کرات از سوی مقامات عالی و مسؤلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید واقع شده است. هاشمی رفسنجانی در این باره متذکر می‌شود: اسرائیل تهدیدی جدی برای منطقه و کشورهای اسلامی است اسرائیل از چند جهت یک خطر واقعی برای منطقه و ایران است.<sup>۱</sup> علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه سابق ایران خطر اسرائیل را در آینده جدی‌تر می‌داند و آن را ناشی از حضور در

خلیج فارس، دریای خزر و محاصره ایران ارزیابی می‌کند.<sup>۲</sup> در یادار علی شمعخانی ۲۳۵ وزیر دفاع نیز عمده‌ترین عامل تهدید جمهوری اسلامی ایران را رژیم صهیونیستی می‌داند.<sup>۳</sup> حال با توجه به اینکه به‌طور کلی در ذهنیت و ادراک امنیتی نخبگان سیاسی ما، کشور اسرائیل، تهدیدی امنیتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود، سؤال این است که ماهیت این تهدیدها چیست؟

### الف) ماهیت تهدیدهای امنیتی اسرائیل

در اینکه اسرائیل تهدید امنیتی بزرگی بر ضد ایران است، تردیدی وجود ندارد، این تهدید از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است.

در مورد تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد ایران «و ماهیت آن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان آنها را در قالب نگرش‌های ایدئولوژیک، نظامی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

#### ۱. نگرش ایدئولوژیک

براساس این نگرش تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است که این تقابل دائمی است و تنها شکل تهدید است که احتمال دارد با توجه به شرایط مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون شود. و بسته به تحول شرایط سیاسی، اقتصادی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در هر یک از دو کشور، تهدیدها ممکن است وجوه مختلفی پیدا کند. براساس این نگرش جنگ بین ایران و اسرائیل، جنگ دو آرمانگرایی تاریخی متعارض است و جنگی است بر سر بودن و نبودن یکی از طرفین و آمال و گرایش‌های بنیادین هر دو سوی تعارض (بیشتر اسرائیل)، تاکنون به خوبی شناسانده شده است.<sup>۴</sup> براساس این دیدگاه اسرائیل وجود خود را با عدم جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌کند و ج. ۱. ایران نیز موجودیت خود را با عدم اسرائیل. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اسرائیل اصلی‌ترین دشمن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. این دیدگاه نزاع دو کشور را نزاعی ماسوی و ایدئولوژیک قلمداد می‌کند. بر این اساس دشمنی اسرائیل «به تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ماهیت داعیه‌های آن بازمی‌گردد»<sup>۵</sup> این دیدگاه تا حد زیادی بر

نگرشهای ایدئولوژیک راست افراطی در محافل صهیونیستی متکی است. برخی گروه‌های راست افراطی به رهبری برخی از خاخام‌های نژادپرست یهودی و با اتکا بر سنت فکری صهیونیسم، همواره تحقق سرزمین موعود یهود را در سر می‌پرورانند. راست‌گرایان افراطی هر گونه مانع سیاسی و فکری برای تحقق این هدف را به دشمن ذاتی اسرائیل قلمداد می‌کنند و به همین دلیل هم بر غیرممکن بودن صلح با اعراب و دیگر کشورهای اسلامی تأکید می‌دارند. از نظر راست افراطی امنیت اسرائیل با صلح به خطر می‌افتد و در بلندمدت به نفع اعراب و فلسطینیان تمام می‌شود. به هر حال براساس نگرش ایدئولوژیک، تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، از نزاع دو آرمانگرایی متعارض نشأت می‌گیرد که اگر گمان کنیم که پدید آوردن نسلها و تسلسل تحولات، فلسفه آغازین تحولی را که ماندگار و نهادینه شده است، به زوال خواهد برد، اشتباه کرده‌ایم؛<sup>۶</sup> برعکس اسرائیل در پی نابودی محتوای درونی انقلاب اسلامی و دوام تاریخی آن می‌باشد این بزرگ‌ترین هدفی است که صهیونیسم از دشمنی با ایران تعقیب می‌کنند.

## ۲. نگرش سیاسی

برخی، تهدیدهای اسرائیل را از منظر سیاسی مورد بحث قرار می‌دهند. «محمد کاظم سجادیپور» درباره استراتژی امنیتی اسرائیل نسبت به ایران، دو طرز تفکر کاملاً متضاد را معرفی می‌نماید که براساس تفکر اول؛ افرادی چون «بن‌گوریون» طرفدار آن بوده‌اند، اسرائیل باید با ایران پیوندهای استراتژیک برقرار کند، اما طرز فکر دوم که افرادی چون نتانیاهاو از آن حمایت می‌کنند، برداشتی متضاد نسبت به نسل گذشته درباره ایران دارند و خواهان مبارزه با جمهوری اسلامی ایران، تا حد اجرایی سناریوی عراق و تکرار آن در مورد ایران هستند، این برداشت همچنان در حال تقویت شدن است<sup>۷</sup> در این نسل طیفهای گوناگونی جای دارند که شاید بتوان گفت وجه مشترک آنها، داشتن گرایش ستیزه‌جویانه نسبت به ج. ا. ایران می‌باشد.

## ۳. نگرش اقتصادی

برخی دیگر بر جنبه‌های اقتصادی تهدید اسرائیل تأکید دارند و آن را ناشی از ساختار

عقب مانده اقتصادی منطقه خاورمیانه، و اقتصاد پیشرفته‌تر اسرائیل در منطقه ۲۳۷ خاورمیانه ارزیابی می‌کنند. بر این اساس چون از لحاظ منطقه‌ای، اقتصاد تک محصولی کشورهای نفتی نتوانسته نوعی مکمل اقتصادی در بین کشورهای مسلمان منطقه ایجاد کند، اسرائیل از این پس مبلغ این تفکر تفرقه‌انداز خواهد بود که توسعه اقتصادی، تکنولوژیک و مهارت‌های فنی کارگران آن کشور و نیز فلسطین، همراه با نیروی کار ارزان کشورهای مصر، سوریه و اردن، به علاوه سرمایه‌های نفتی و بازار کشورهای خلیج فارس، می‌تواند در جهت شکوفایی اقتصادی بین دو بخش فرهنگی نژاد سامی، مجموعه مکملی ایجاد کند در واقع بحث خاورمیانه جدید که «شیمون پرنز» طراح آن می‌باشد، نگاهی اقتصادی به خاورمیانه با محوریت اسرائیل است که به نوعی هدف هویت‌زایی از این منطقه - که به نفع اسرائیل است - را تعقیب می‌کند.

### عوامل موثر بر تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد ایران:

یکی از سیاست‌های دائمی اسرائیل این بوده که از بحران‌های موجود در منطقه برای تثبیت موقعیت خود استفاده کند بحران‌های پیشین نشان می‌دهد که اسرائیل چه عامل بحران باشد، چه نباشد، همواره کوشیده است از بحران‌های موجود به نفع خود بهره‌برداری‌های سیاسی و استراتژیک ببرد. در سال‌های اخیر بحران‌های متعددی در خلیج فارس و خاورمیانه به وجود آمده است که موازنه قوای منطقه‌ای را به صورت محسوسی به نفع اسرائیل تغییر داده است. فروپاشی شوروی (سابق) در اوایل دهه ۹۰ میلادی، جنگ خلیج فارس برای اخراج عراق از کویت و اخیراً حمله آمریکا به عراق و تسخیر آن کشور، موازنه قوای منطقه‌ای را دگرگون ساخته است. علاوه بر این در شرایط فعلی هم آمریکا تلاش دارد ساختار خاورمیانه را به نحوی بازسازی کند، که این ساختار تحت هر مونی اسرائیل قرار گیرد. این ساختار به شدت می‌تواند امنیت ملی ج. ا. ایران را تهدید کند.

تذکر این نکته نیز ضروری است که تا زمانی که وضعیت کنونی روابط ایران و آمریکا ادامه پیدا کند، تفکیک تهدیدهای امنیتی اسرائیل از آمریکا نه ممکن و نه مطلوب است. با توجه به پیوندهای استراتژیک آمریکا را اسرائیل در منطقه خاورمیانه و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی گسترده آمریکا از اسرائیل هرگونه تحلیلی که تهدیدهای

۲۳۸ امنیت اسرائیل را با غفلت از نقش و تاثیر آمریکا در نظر گیرد، ناقص و گمراه کننده است.

در مورد ریشه‌های پیوند استراتژیک آمریکا و اسرائیل، بسیاری عقیده دارند که کمک‌های آمریکا به اسرائیل ناشی از فشار گروه لابی صهیونیستی طرفدار اسرائیل در آمریکا و مراکز حساسی چون کنگره آمریکا، رسانه‌های گروهی و کمپانی‌های بزرگ اقتصادی است. اما به نظر می‌رسد با وجود این که این عامل تاثیر زیادی دارد، ولی عامل اصلی؛ نقش قابل توجه اسرائیل در تامین منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است هدف نهایی و اصلی آمریکایی در منطقه، تضمین منافع کلان اقتصادی آن کشور از طریق صدور نفت ارزان است. بی‌تردید نفس حضور اسرائیل در منطقه و احساس تهدید کشورهای دیگر از آن، در پیشبرد این سیاست تاثیر فراوان دارد. به همین دلیل، تفکیک تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران از آمریکا، تا زمانی که وضعیت روابط ایران و آمریکا نامطلوب باقی بماند، غیرممکن است و در هرگونه تقابلی (اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی) میان اسرائیل و ایران، آمریکا در کنار آن کشور خواهد بود.

همچنین به نظر می‌رسد که ماهیت تهدیدهای امنیتی اسرائیل با وضعیت سیاسی حاکم بر منطقه و تحولات داخلی دو کشور در ارتباط است برای مثال؛ در صورت عدم توافق میان دولت خودگردان و اسرائیل و عدم پذیرش تشکیل دولت مستقل فلسطین از سوی اسرائیل، تهدیدات اسرائیل بر ضد ایران، بیشتر می‌تواند ماهیت نظامی داشته باشد ولی در صورت توافق نهایی، ماهیت تهدیدها، بیشتر اقتصادی خواهد بود. البته این امر به تحولات موضع ایران در قبال مسئله فلسطین نیز بستگی دارد. بنابراین درک تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد ایران، بدون توجه به شرایط سیاسی منطقه‌ای و جهانی، غیرممکن است.

### انواع تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی ج. ا. ایران

به طور کلی تهدیدهای اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قالب تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم، تهدیدهای بالفعل و بالقوه مورد بررسی قرار داد. در این مقاله تهدیدهای اسرائیل در دو دسته از تهدیدهای مستقیم و تهدیدهای غیرمستقیم

## ۱. تهدیدهای مستقیم

منظور از تهدیدهای مستقیم، تهدیدهایی است که اسرائیل می‌تواند در کوتاه مدت و بالفعل و از طریق تواناییهای مختلف نظامی، سیاسی و تبلیغی خود بر امنیت ملی ج. ا. ایران وارد کند. این تهدیدها در سه حوزه نظامی، اقتصادی و سیاسی - تبلیغی قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است.

**الف) تهدیدهای نظامی:** به‌طور سنتی تهدیدهای نظامی در کانون نگرش کشورها قرار دارد. اهمیت تهدیدهای نظامی در آن است که این تهدیدها می‌تواند امنیت و بقای کشورها را به‌طور اساسی به خطر اندازد. تهدیدهای نظامی اسرائیل هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شود. از لحاظ تسلیحات متعارف و تسلیحات هسته‌ای، اسرائیل برترین قدرت نظامی در منطقه خاورمیانه، و یکی از کشورهای پیشرفته دنیاست که به پشتیبانی‌های نظامی گسترده آمریکا نیز متکی است. انگیزه اصلی دولت اسرائیل از افزایش قدرت نظامی، ترس دائمی و احساس ناامنی است. احساس خطر و ترس دائمی همواره سیاستهای امنیتی اسرائیل را شکل داد. و منشاء اصلی سیاستهای نظامی‌گرایانه این کشور بوده است. براساس استراتژی سنتی امنیت ملی اسرائیل، صلح در منطقه خاورمیانه تنها از طریق قدرت، قابل حصول است و اسرائیل تا زمانی می‌تواند به صلح امیدوار باشد که همسایگان عرب این کشور از برتری نظامی آن مطمئن نباشند. قدرت نظامی اسرائیل در منطقه را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار داد، در اینجا ابتدا عواملی که تهدیدهای نظامی اسرائیل در قبال ایران

را تقویت می‌کند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

به‌طور کلی در سالهای اخیر عوامل تقویت‌کننده تهدید اسرائیل نسبت به امنیت ملی ایران افزوده شده است. اصولاً هر چه از میزان تهدیدهایی که متوجه اسرائیل است کاسته شود، تهدیدهای این کشور بر ضد ایران، از شدت بیشتری برخوردار خواهد شد. در شرایط فعلی روند تحولات خاورمیانه به نحوی است که در مجموع از لحاظ امنیتی به نفع اسرائیل است و این امر بردامنه‌ی تهدیدهای نظامی آن کشور در مورد ایران نیز

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده تهدید اسرائیل بر ضد ایران، حضور قدرتمندانه نظامی و استراتژیک آمریکا در منطقه پس از تسخیر عراق می‌باشد و روابط استراتژیک اسرائیل با آمریکا و حمایت‌های وسیع نظامی و تبلیغاتی آمریکا از آن کشور، ضریب تهدیدهای امنیتی اسرائیل بر ضد ایران را به شدت افزایش می‌دهد. بی‌تردید بخش عمده توان نظامی و برتری‌های تکنولوژیک اسرائیل در سایه روابط آن کشور با آمریکا تأمین می‌گردد. همچنین در یک جنگ فرضی بین ایران و اسرائیل نمی‌توان آمریکا را استثنا کرد و هرگونه درگیری با اسرائیل موجب دخالت مستقیم آمریکا خواهد شد که این امر قدرت تهدید نظامی اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران را به شدت افزایش می‌دهد.

در مورد تسخیر عراق و نقش آن در مورد افزایش ضریب تهدید امنیتی اسرائیل، دو دیدگاه وجود دارد دیدگاه اول با تاکید بر اینکه با سقوط رژیم صدام، موازنه قوا به نفع اسرائیل تغییر یافته است، وقایع اخیر را کاملاً به نفع اسرائیل می‌داند اما «پیروزمجتهدزاده» از منظر دیگری سقوط صدام حسین را به ضرر اسرائیل می‌داند، چرا که دیگر کسی نیست که مثل صدام به این کشور خدمت کند؛ زیرا از این پس کشورهای مخالف و دشمن با اسرائیل یعنی عراق و همسایگانش، با یکدیگر درگیر خواهند شد و این خدمت را به اسرائیل نخواهند کرد. بنابراین اسرائیل با سقوط صدام حسین، «نه تنها عامل مهم بی‌ثباتی‌ها در جهان عرب و اسلام را از دست داد، بلکه تشکیل کشور فلسطین که از دید تل‌آویو؛ از میان رفتن حکومت بعثی عراق شمرده می‌شود - باید از سوی اسرائیل پرداخته شود. در حالی که تشکیل کشور فلسطین ضربه مهلکی بر صهیونیسم و اسرائیل وارد خواهد کرد.<sup>۸</sup> با وجود این تحلیل می‌توان گفت که حداقل در کوتاه مدت شکل‌گیری ساختار منطقه‌ای جدید از لحاظ توازن قدرت به نفع اسرائیل است و این موضوع علاوه بر اینکه تا حدی ناشی از سقوط رژیم صدام و تسخیر عراق از سوی آمریکا است، بلکه بیشتر به دلیل حضور نظامی آمریکا در منطقه و در همسایگی ایران است که بر اهمیت تهدیدهای نظامی اسرائیل بر امنیت ملی ایران می‌افزاید؛ چرا که این رژیم را از لحاظ جغرافیایی به ایران نزدیک می‌کند.

اما مسئله بسیار مهم دیگر که نقش تهدیدهای نظامی اسرائیل را به شدت افزایش می‌دهد، تسلیحات هسته‌ای اسرائیل است. مقام‌های اسرائیل بر این عقیده بوده و هستند



۲۴۱ که در شرایط حاکم بر خاورمیانه، تنها راه بقای آنان، برتری مطلق تسلیحاتی، بویژه در حوزه تسلیحات هسته‌ای است. اهمیت تسلیحات هسته‌ای و برتری مطلق در این زمینه برای اسرائیل به قدری زیاد است که مقامات این کشور در این باره به صورت کاملاً عریانی بحث می‌کنند: مرشه آرنز در این مورد می‌گوید: «در خاورمیانه آنچه که آینده قدرت‌های حاکم در این منطقه را تعیین می‌کند، زور و اسلحه است که در این میان رای و دیدگاه مردم هیچ اهمیتی ندارد»<sup>۹</sup>

اهمیت برتری هسته‌ای اسرائیل از حیث تهدید نظامی، از این واقعیت نشأت می‌گیرد که اسرائیل کاملاً آمادگی استفاده از این تسلیحات را در شرایط بحرانی داراست. روزنامه «هاآرتص» - چاپ رژیم صهیونیستی - قبل از حمله آمریکا به عراق اعلام کرد: در صورت حمله عراق به این کشور و وارد آمدن ضربه شدید به اسرائیل، رژیم این کشور از تسلیحات هسته‌ای استفاده خواهد کرد و اگر عراق نیز، با استفاده از تسلیحات هسته‌ای غیرمتعارف به اسرائیل حمله کند و این حمله به کشتار وسیع غیرنظامیان بینجامد، اسرائیل نیز با تسلیحات هسته‌ای تلافی خواهد کرد و عراق را به عنوان یک کشور از بین خواهد برد»<sup>۱۰</sup>

از سوی دیگر یکی از اهداف اصلی بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل، ایران است از دید استراتژیست‌های اسرائیل «اسرائیل در رویارویی با ایران، چاره‌ای ندارد جز اینکه بر الگوهای سنتی بازدارندگی هسته‌ای تکیه کند. در این صورت پیشگیری به امری اجتناب‌ناپذیر و اجباری تبدیل می‌شود! «شیمون پرن» نیز در این باره معتقد است که «ترس عراق و ایران عامل بازدارنده‌ای است که ما در اختیار داریم!»<sup>۱۱</sup> و اسرائیل دقیقاً به دلیل نقش مهم بازدارندگی تسلیحات هسته‌ای در استراتژی امنیتی این کشور، نه تنها با برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و دیگر کشورهای اسلامی مخالف است، بلکه با پیوستن به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز به شدت مخالفت می‌کند. این امر بدین دلیل است که براساس ارزیابی کارشناسان نظامی اسرائیل، اصلی‌ترین تهدیدی که از جانب کشورهای چوین ایران می‌تواند متوجه این کشور باشد، استفاده آنان از موشک‌های دوربرد است که می‌تواند کلاهک‌های هسته‌ای، شیمیایی و یا میکروبی را نیز حمل کند.<sup>۱۲</sup> بنابراین به لحاظ مسلح بودن اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای، این رژیم از لحاظ نظامی به‌طور بالقوه تهدید بزرگی بر امنیت ملی ج. ا. ایران

۲۴۲ محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر این رژیم برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای به اقدامات مختلفی دست می‌یازد که این اقدامات، خود می‌تواند به‌طور مستقل از ابعاد مختلف امنیت ملی، کشور را در معرض تهدید قرار دهد. در این زمینه و در مورد نوع اقدام رژیم صهیونیستی در مورد جلوگیری از برنامه‌های هسته‌ای ایران می‌توان سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی کرد؛ یکی از محتمل‌ترین سناریوها و گزینه‌های اسرائیل در این امر، حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این اقدام رژیم صهیونیستی می‌تواند آثار ضد امنیتی گسترده‌ای برای کشور داشته باشد. از لحاظ سابقه‌ی تاریخی، اسرائیل تاسیسات هسته‌ای عراق را در جریان جنگ عراق و ایران مورد حمله قرار داده است، بنابراین احتمال وقوع آن را در مورد ایران نباید منتفی دانست. جمهوری اسلامی ایران باید در مقابل این اقدام احتمالی سیاست بازدارندگی فعال و مؤثری را پیش بگیرد. این امر شامل تهدید به مقابله به مثل و بالا بردن ریسک حمله احتمالی اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران است.

گزینه دیگری که ممکن است اسرائیل با حمایت‌های آمریکا بدان مبادرت ورزد تلاش برای دخالت دادن مجامع بین‌المللی و بویژه شورای امنیت - در برنامه‌های هسته‌ای ایران - و نظارت دائمی آنان می‌باشد فشارهایی که در حال حاضر برای پذیرش پروتکل الحاقی صورت می‌گیرد، می‌تواند در راستای این اهداف تحلیل گردد. بی‌تردید این هدف اسرائیل جز از طریق پشتیبانی آمریکا از آن ممکن نیست، ولی در صورت تحقق، ضربه بزرگی بر برنامه‌های هسته‌ای کشور وارد می‌شود. بنابراین ضروری است که جمهوری اسلامی ایران با شفاف‌سازی بیشتر برنامه‌های تسلیحاتی مانع از تحقق این هدف اسرائیل شود که از لحاظ امنیتی برای کشور زیانبار است.

گزینه سوم اسرائیل تلاش برای کشیدن ایران به مهلکه‌ای چون عراق و حمله آمریکا به ایران است. به‌طور کلی از دیدگاه صاحب‌نظران، اسرائیل پیش از آنکه عراق را دشمن خود بداند، ایران را دشمن تلقی می‌کند. پیروز مجتهدزاده در این باره می‌نویسد: اسرائیل به سقوط رژیم بعثی عراق قانع نیست و به همین دلیل رژیم صهیونیستی بارها پیشنهاد حمله به ایران و سقوط دولت این کشور را مطرح کرده است و به همین دلیل شارون به جای حمله به عراق خواهان حمله به ایران بود؛ چرا که سقوط ایران موازنه سیاسی در

منطقه را به نحو وحشتناکی به نفع اسرائیل تغییر می‌داد.<sup>۱۳</sup>

به هر حال یکی از متغیرهای اصلی استراتژی امنیت ملی اسرائیل، حفظ برتری تسلیحاتی خود در عرصه تسلیحات هسته‌ای است. اما قابلیت‌های هسته‌ای اسرائیل نه تنها تهدیدی بر امنیت ملی ایران که بر امنیت کل منطقه قلمداد می‌شود و این امر از سوی استراتژیست‌ها و صاحب‌نظران مختلف مورد تأیید واقع شده است. «طنطاوی» وزیر دفاع مصر در این باره می‌گوید: «یک وضعیت عدم توازن، اغلب به اتخاذ سیاست‌هایی می‌انجامد که به خوبی محاسبه نشده است» چرا که در چنین موقعیتی کشور برتر در غیاب یک موازنه قوا وسوسه می‌شود تا تجاوز را دائمی و جاودانه سازد و تلاش کند تا اهداف و جاه‌طلبی‌های خود را به بهای اهداف همسایگانش محقق سازد.<sup>۱۴</sup>

بنابراین توازن قوا در منطقه‌ای که امنیتی‌ترین منطقه جهان محسوب می‌شود، برخی از صاحب‌نظران بر ضرورت دستیابی ایران و دیگر کشورهای منطقه به تسلیحات هسته‌ای تأکید می‌کنند پیروز مجتهدزاده، در این باره می‌نویسد:

«اگر اسرائیل به جنگ‌افزارهای هسته‌ای مسلح است، در درجه نخست باید تلاش کرد که خلع سلاح اتمی شود و اگر نشد، ایران هم وظیفه دارد که مسلح شود و به جای سوگند یاد کردن در زمینه نداشتن سلاح اتمی، ایران یا هر کشور دیگری در منطقه دست به مانور فعال بزند. منافع ملی همچنین حکم می‌کنند که تهدید شود اگر اسرائیل خلع سلاح اتمی نشود، ایران ناچار است توازن لازم را به وجود آورد.»<sup>۱۵</sup>

این دیدگاه در واقع بر استراتژی مشابه استراتژی کره شمالی تأکید می‌کند، ولی با توجه به اینکه در حال حاضر فشارهای شدید بین‌المللی برای کنترل و نظارت بر برنامه‌های هسته‌ای ایران در جریان است، راه رسیدن به تسلیحات هسته‌ای بسیار دشوار شده است و تنها گزینه ایران و دیگر کشورهای منطقه، تلاش برای خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل است که البته این گزینه نیز با دشواری‌های فراوانی همراه است. اما در صورتی که توازن قوا از طریق دستیابی به تسلیحات هسته‌ای امکانپذیر نباشد، باید خلع سلاح اسرائیل در این زمینه محقق شود چرا که برای تامین امنیت خاورمیانه در سال‌های آتی تلاش همه جانبه کشورهای منطقه برای تحقق این هدف ضرورت اساسی دارد که این کشورها می‌توانند کشورهای دیگری نظیر روسیه، اتحادیه اروپا و چین را با

همچنین باید چند نکته دیگر را در زمینه تهدیدات نظامی و هسته‌ای اسرائیل اضافه کرد. به‌طور کلی در مورد اصل استفاده از تسلیحات هسته‌ای در منطقه تردیدهایی وجود دارد، هر چند که اسرائیل در بیان، تهدید به استفاده از تسلیحات هسته‌ای می‌کند، ولی استفاده از این تسلیحات هزینه‌های بسیار سنگین دارد که بعید است اسرائیل بتواند به چنین اقدامی متوسل شود مگر اینکه، در بدترین شرایط ممکن در تباخر باشد. از جمله آثار زیانبار حملات هسته‌ای، غبار هسته‌ای ناشی از تشعشعات بمب‌های اتمی است که خود اسرائیل را هم به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.<sup>۱۷</sup>

از این‌رو، اصولاً برخی از صاحب‌نظران درباره کارایی عملی تسلیحات هسته‌ای ابراز تردید کرده و معتقدند که داشتن معدودی سلاح اتمی، مزیتی استراتژیک محسوب نمی‌شود و عمدتاً در جهت مقاصد بازدارندگی و کسب امتیازهای سیاسی کاربرد دارد و نمی‌تواند در زمینه‌های تهاجمی کارایی زیادی داشته باشد.<sup>۱۸</sup>

دومین نکته درباره موازنه قوا، بعد روانی آن می‌باشد. نظریه هنری کیسنجر درباره‌ی بازدارندگی متغیر مهم و اساسی را عامل روانی می‌داند. وی مباحث روانشناختی ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش روانی تهدید را در نظریه بازدارندگی وارد کرد «وی به این مسأله مهم اشاره می‌کند که صرف داشتن قدرت نظامی برتر و تفوق عده و عده برای بازدارندگی کفایت نمی‌کند، بلکه عامل روانشناختی قبول یا عدم پذیرش این برتری است که در حفظ و استمرار سیاست بازدارندگی تأثیر تام دارد. به نظر کیسنجر در غیر این صورت و در حالتی که حریف برتری رقیب را نپذیرد، بازدارندگی از اساس ناکارآمد خواهد شد.

بنابراین تسلیحات هسته‌ای در عمل چندان کارایی ندارد و اهمیت بعد روانشناختی بازدارندگی و نپذیرفتن برتری تسلیحاتی اسرائیل به عنوان یک عامل روانی، می‌تواند تا حدودی حس برتری تسلیحات هسته‌ای این رژیم را خنثی کند که در واقع نقش مهمی در کاهش تهدیدات نظامی اسرائیل دارد.

همچنین عوامل دیگری نیز وجود دارد که نقش تهدیدات نظامی اسرائیل را تضعیف می‌کند، از جمله این عوامل فقدان مرز مشترک بین ایران و اسرائیل است. از لحاظ ژئوپلیتیک، وجود فاصله بین دو کشور نقش مهمی در کاستن اثرات تهدید نظامی دارد.

وجود فاصله طولانی موجب می‌شود که جمهوری اسلامی ایران در اولویت‌های بعدی ۲۴۵ تهدیدهای نظامی اسرائیل باشد؛ البته مجهز بودن ارتش اسرائیل به موشکهای دوربرد با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای تا حدودی می‌تواند این نارسایی را جبران کند، ولی از آنجا که در یک جنگ تمام عیار «زمین» و نزدیکی جغرافیایی دشمن نقش مهمی دارد، لذا نمی‌توان از لحاظ تهدید سرزمینی و تجاوز به تمامیت ارضی تهدید نظامی اسرائیل را چندان جدی گرفت. جمعیت کم و مساحت اندک اسرائیل نیز نقطه ضعفی اساسی در تهدید نظامی اسرائیل بر ضد ایران است. مساحت محدود اسرائیل باعث شده است که این کشور فاقد عمق استراتژیک (Strategic Depth) باشد و از هرگونه تجاوز سرزمینی به شدت احساس تهدید کند. در واقع مساحت کم و فقدان عمق استراتژیک، از عوامل اساسی تمرکز اسرائیل بر توسعه نظامی است. «باری بوزان»، تأثیر مساحت کم و جمعیت کم را در نارسایی قدرت و تهدید نظامی به خوبی تبیین کرده است؛ وی بیان دارد:

«گرچه ثروت، مهارت، انسجام اجتماعی، سیاسی و قدرت اراده تا حدودی می‌تواند مشکل کوچکی سرزمین را جبران سازند ولی در درازمدت قادر به جبران فقدان پایگاههای مادی بزرگتر نیستند. گرچه امکان پیشرفت قابل ملاحظه قدرتهای کوچک در بخش خاصی وجود دارد، ولی از لحاظ نظامی نمی‌توانند اثرات مهمی غیر از موارد محدود و کوتاه مدت، بر جای بگذارند حتی دولتی مثل اسرائیل تنها زمانی قادر خواهد بود که دستگاه قدرتمند نظامی خود را به کار گیرد که فشار بافت ملی آن به حد غیرقابل تحملی نرسیده باشد.»<sup>۱۹</sup>

حال آنکه اسرائیل از لحاظ جمعیتی، در حال حاضر با شکافهای سیاسی، قومی و اقتصادی شدیدی مواجه است، همچنین در حال حاضر در بین مردم اسرائیل انگیزه خدمت در نیروهای نظامی به شدت کاهش یافته است و یک فضای ضد جنگ و نظامی‌گری در میان آنها حاکم است.<sup>۲۰</sup> این عامل قدرت بسیج را از اسرائیل می‌گیرد، در حالی که جمهوری اسلامی ایران، از قدرت بسیج‌کنندگی بسیار بالایی برخوردار است. همچنین وضعیت اسرائیل با دیگر کشورهای کوچک یک تفاوت اساسی نیز دارد که همان عامل هم، بر ضعف بیشتر این کشور دامن می‌زند. بدین معنی که اسرائیل در بین

۲۴۶ کشورهای دشمن محصور است و این بر آسیب‌پذیری‌های آن افزوده و از اهمیت تهدیدهای نظامی آن نیز می‌کاهد. مسئله دیگر دگرگونی در استراتژی امنیت ملی اسرائیل است. عوامل مختلفی در دگرگونی سیاستهای امنیت ملی اسرائیل تأثیر داشته است و علت اصلی آن نیز، روند فزاینده مشکلات و تهدیدهای داخلی است که موجب بروز شکافهای داخلی متعددی در آن گردیده که این موضوع به خودی خود می‌تواند از نقش تهدیدهای نظامی اسرائیل بکاهد. گروهی معتقدند که مشکلات درونی اسرائیل، روند فزاینده‌ای خواهد داشت و از این نظر، دولت اسرائیل در آینده، با تهدیدهای امنیتی رو به رشد داخلی مواجه خواهد بود: اختلافات قومی، سیاسی (میان نیروهای میانه‌رو و راست‌گرایان افراطی) اختلافات مذهبی، مسائلی هستند که در آینده اسرائیل را از درون تضعیف کرده و در کاهش این کشور تأثیر به‌سزایی خواهند داشت.

ب) **تهدیدهای اقتصادی:** علاوه بر تهدیدات نظامی اسرائیل می‌تواند تهدیدهای اقتصادی مختلفی را متوجه امنیت ملی ایران کند، به‌طور کلی در استراتژی امنیت ملی اسرائیل (به ویژه در سالهای اخیر)، قدرت اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. «شیمون پرنز» در گفتگو با گروهی از متخصصان در سال ۱۹۸۹ ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش اسرائیل نیست که قدرت کشور را تعیین می‌کند، بلکه موقعیت‌های علمی و تکنولوژیکی آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، با تأکید بر اینکه در دنیای امروز اقتصاد و مهم‌تر از استراتژی است.<sup>۲۱</sup>

افزایش قدرت اقتصادی اسرائیل به‌طور هم‌زمان با هدف تضعیف اقتصادی کشورهای دیگر منطقه و به‌ویژه ایران، تعقیب می‌شود. به‌خصوص با توجه به اینکه هرگونه تلاش برای موازنه قوای نظامی، نیازمند پشتوانه قدرتمندی از توانایی اقتصادی است. همچنین نقش ضعفهای اقتصادی، خود یک عامل اساسی تهدید می‌باشد. بنابراین اسرائیل ضعف فزاینده اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به‌منزله یک سیاست جدی تعقیب می‌کند. که از ابعاد مختلفی قابل بحث است. از سویی گروه‌ها، معتقدند که تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ضد ایران به شدت تحت‌الشعاع تحریمات اسرائیل و لابی طرفدار آن طراحی و اجرا شده است و اصولاً منافع این تحریم‌ها بیشتر به نفع اسرائیل و در واقع مغایر با منافع آمریکاست. از لحاظ اقتصادی یکی از اهداف اصلی تحریم‌ها تضعیف و انزوای اقتصادی ایران می‌باشد.

از سوی دیگر یکی از اهداف عمده اسرائیل در سالهای اخیر، اهداف سلطه‌جویانه اقتصادی در منطقه است. که نگرانی کشورهای منطقه را موجب شده است و مقامات ایرانی نیز در این زمینه ابراز نگرانی کرده‌اند. اسرائیل در خاورمیانه اهداف اقتصادی خاصی را دنبال می‌کند که خاورمیانه جدید در دیدگاه شیمون پرن بیانگر این مسأله است. از این منظر؛ خاورمیانه یک منطقه اقتصادی است؛ نه یک مجموعه فرهنگی که اسرائیل می‌تواند در آن نقش‌آفرین اول باشد و صاحب‌نظران معتقدند که اسرائیل از این طریق در جستجوی هویت‌زدایی از منطقه خاورمیانه است که براساس آن این کشور با درخواست یک بازار خاورمیانه‌ای به دنبال تحقق این هدف است که پان عربیسم را به عنوان یک هویت مجزا و متمایز تحلیل برده و یک اندیشه و نظر خاورمیانه‌ای را تحمیل کند. این دیدگاه که در نگرش اغلب رهبران و صاحب‌نظران عرب متجلی شده است، امنیت ملی ایران را نیز تهدید می‌کند. خاورمیانه یک منطقه کاملاً اسلامی است و هویت‌زدایی از آن به مفهوم زدودن اسلام به عنوان پایه مشترک برای همکاری و تعامل از جمله تعاملات اقتصادی است که در نهایت می‌تواند زمینه‌های سلطه و تهدید اقتصادی اسرائیل را فراهم کند.

ج) تهدیدهای تبلیغی و سیاسی: شاید مهم‌ترین و بالفعل‌ترین تهدیدهای اسرائیل بر ضد جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر، تهدیدهای سیاسی و تبلیغی آن کشور است. تهدیدهای تبلیغی اسرائیل شامل موضوعات مختلفی است که برخی از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یکی از تهدیدهای تبلیغی رژیم صهیونیستی، بزرگ‌نمایی تهدیدهای امنیتی ناشی از ایران است. این رژیم همواره سعی کرده است، ایران را بزرگترین تهدید امنیتی خود و منطقه معرفی کند. در حالی که ایران عملاً در لایه‌های سوم تهدیدهای امنیتی اسرائیل قرار دارد مقامات این رژیم همچون شیمون پرن، جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین تهدید این کشور تلقی می‌کنند.<sup>۲۲</sup> البته علت این بزرگ‌نمایی تا حدی روشن است چرا که اسرائیل وجود خود را با وجود دشمن تعریف می‌کند. در واقع تحقق بسیاری از اهداف داخلی و بین‌المللی اسرائیل مستلزم وجود یک دشمن خارجی است که اسرائیل با تبلیغات خود ایران را به عنوان دشمنی برای خود معرفی می‌کند.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که اسرائیل به شدت از لحاظ تبلیغی بر آن متمرکز شده

۲۴۸ است، تبلیغ در مورد تلاش ایران برای رسیدن به تسلیحات هسته‌ای است. پرز وزیر امور خارجه سابق اسرائیل، تهدیدهای عمده علیه اسرائیل را ناشی از ترکیبی از سلاح‌های هسته‌ای و اسلام افراطی بیان کرده است، بنابراین جمهوری اسلامی ایران که براندازی و ترس و وحشت را تعیین کرده و در پی دسترسی به قدرت هسته‌ای است، دشمن اصلی اسرائیل است. اسرائیل برنامه‌های هسته‌ای ایران را نه تنها تهدیدی برای خود بلکه برای کل منطقه و اخیراً برای کل جهان قلمداد می‌کند. وزیر خارجه فعلی اسرائیل «سیلوان شالم» در این باره می‌گوید: «ایران نه تنها خطری برای منطقه است که تمامی جهان را تهدید می‌کند. ایران که اکنون تمامی توان خود را برای رسیدن به سلاح‌های هسته‌ای بکار گرفته، قادر است اروپا را نیز تهدید کند و اکنون مناطق جنوب روسیه نیز در معرض تهدید ایران قرار دارند.»<sup>۲۳</sup>

اسرائیل از طریق تبلیغ در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران نه تنها تلاش می‌کند وضع خود را در عدم پیوستن به قرارداد عمومی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تحت‌الشعاع قرار دهد؛ بلکه سعی دارد تا کشورهای منطقه و جهان را نسبت به ایران بدبین و بی‌اعتماد سازد. همچنین این رژیم از این طریق تلاش می‌کند تا برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران (که برای کشور اهمیت حیاتی دارد) متوقف نماید. مثلاً فعال‌سازی مجدد نیروگاه هسته‌ای بوشهر که تاکنون هزینه‌های بسیاری را برای ایران دربر داشته است، نیمه‌تمام باقی مانده که این امر، نهایتاً به محروم ماندن ایران از انرژی و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است که می‌تواند آسیب‌های مادی و اقتصادی فراوانی را با توجه به هزینه‌های انجام شده بر کشور وارد سازد. البته در این راستا، گروه‌های لابی طرفدار رژیم اسرائیل چون گروه صهیونیستی اپیاک نیز با این کشور همراهی می‌کند.<sup>۲۴</sup>

یکی دیگر از محورهای عمده تهدیدهای تبلیغی اسرائیل بر ضد ایران، مسأله بنیادگرایی اسلامی و طرفداری جمهوری اسلامی ایران از آن می‌باشد اسرائیل این مسئله را در سطح منطقه‌ای، همواره به عنوان تهدیدی از سوی ایران نسبت به دیگر کشورهای اسلامی منطقه معرفی کرده است. در تبلیغات اسرائیل و همفکران آن کشور، بنیادگرایی تهدید مشترکی برای همه کشورهای منطقه است که از ایران نشأت می‌گیرد. این تبلیغات علاوه بر کشورهای عربی، به کشورهای آسیای میانه نیز منتقل شده است.



برای مثال، شیمون پرز در دیدار خود از ازبکستان، بر این نکته تاکید می‌کند که ۲۴۹ «اسرائیل و ازبکستان در کنار یکدیگر، در نبرد با بنیادگرایی اسلامی و فقر و جنگ شرکت دارند و من مطمئنم که در این جنگ پیروز خواهیم شد. بنیادگرایی برای ازبکستان، خطر بیشتری دارد تا برای اسرائیل، بنیادگرایی حرکتی ارتجاعی و افراطی و عقب مانده است که مانع از پیشرفت می‌شود.»<sup>۲۵</sup>

محور دیگر تهدیدات تبلیغی اسرائیل بر ضد ایران، القای نقش ایران در کندی فرایند صلح در خاورمیانه است. در تبلیغات اسرائیل مخالفت ایران با صلح خاورمیانه به نحوی تبلیغ می‌شود که می‌تواند دلیلی برای ناکامی این مذاکرات محسوب گردد و حملات به نحوی ادا می‌شود که بین این دو مورد، ارتباطی علی و معلولی به ذهن متبادر می‌شود، مثلاً: «بدیهی است که استمرار مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه و شکست احتمالی این جریان اثر بسیار مخربی بر امنیت منطقه خواهد داشت»<sup>۲۶</sup>

برجسته کردن مخالفت ایران با موضوع صلح خاورمیانه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که متوجه شویم، مهم‌ترین مانع تحقق صلح در این منطقه، خود اسرائیل است و اصولاً برخی از تحلیلگران اسرائیل، موضع جمهوری اسلامی ایران را در تبادل فرایند صلح میزان دارای آثار عملی نمی‌دانند. تحلیلگرانی چون لوبرانی بر این اعتقادند که دیدگاه‌های ایران در مسئله صلح خاورمیانه، چندان تاثیری بر روند مذاکرات نداشته است.<sup>۲۷</sup>

به‌طور کلی هدف اسرائیل از این تهدیدهای تبلیغی و سیاسی، تخریب روابط ایران با کشورهای دیگر و بی‌اعتباری منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است.

۲. تهدیدهای غیرمستقیم: منظور از تهدیدهای غیرمستقیم اسرائیل، تهدیدهایی است که اسرائیل از طریق دیگر کشورها و تخریب روابط ایران با دنیای خارج و تاثیرگذاری بر روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به امنیت ملی ج. ۱. ایران وارد می‌کند. در سطح منطقه‌ای، برخی از کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز، در کانون توجه اسرائیل قرار دارند. این تهدیدها شامل تهدیدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است در حال حاضر برخی از مقامات سیاست خارجی هم از این تهدیدهای اسرائیل ابراز نگرانی کرده‌اند:

معتقدم خطر جدی ما اسرائیل است که در حال حاضر در سرزمینهای شمالی ایران

۲۵۰ حوزه نفوذ خود را گسترش می‌دهد و در همان حال اتحادش با ترکیه در حال گسترش است... اسرائیل و همه اتحادهای آن که با کشورهای منطقه در حال شکل‌گیری است برای ما خطر محسوب می‌شود.<sup>۲۸</sup>

صهیونیست، همواره تلاش کرده است تا از بهبود روابط ایران با کشورهای دیگر از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا جلوگیری کند. در عین حال همواره خواهان فشار بیشتر اتحادیه اروپا بر ایران بوده است.<sup>۲۹</sup> همچنین این کشور در تیرگی روابط ایران و آمریکا و طراحی و اجرای تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران، تاثیر زیادی داشته که از طریق لابی‌های طرفدار خود در داخل آمریکا این اهداف را پی‌گیری می‌کند. با اینحال اسرائیل به تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا قانع نیست و همواره خواهان تجاوز آمریکا به ایران بوده است و در جریان حمله آمریکا به عراق «آریل شارون» نخست‌وزیر این کشور، حداقل دو مرتبه اعلام کرد که عراق، دشمن جدی نیست و آمریکا باید به ایران حمله کند.<sup>۳۰</sup> در منطقه نیز اسرائیل در تحریک دشمنی بر ضد ایران نقش اساسی داشته است. اسرائیل در سالهای اخیر در برقراری روابط بسیار نزدیک نظامی و اقتصادی با برخی کشورهای منطقه، به ویژه ترکیه، ازبکستان و جمهوری آذربایجان موفقیت‌های زیادی به دست آورده است که با توجه به خصومت شدید میان ایران و اسرائیل هرگونه توفیق آن کشور در نزدیکی به همسایه‌های ایران، از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی؛ تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. باید گفت (موفقیت‌های اخیر اسرائیل در منطقه هم آمریکا نقش اساسی ایفا کرده است. بیشتر این کشورها به دلیل منافعی که از ارتباط با آمریکا کسب می‌کنند، تحت‌الشعاع خواسته‌های سیاسی این کشور قرار دارند؛ بنابراین از ایران دورتر و به اسرائیل نزدیک‌تر می‌شوند. به هر حال، اسرائیل یکی از تهدیدهای مهم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که ایران برای دفع این تهدیدها باید تدابیر اساسی را در پیش بگیرد در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین راهها برای دفع تهدیدهای اسرائیل، علاوه بر جلوگیری از تاثیرگذاری این کشور بر روابط ایران با اتحادیه اروپا و دیگر کشورها؛ ایجاد موضعی هماهنگ با جهان اسلام، در مقابل اسرائیل است. فقدان یکپارچگی در جهان اسلام - درباره مسئله فلسطین - و تفاوت بسیار زیاد نگرش ایران با دیگر کشورهای اسلامی، می‌تواند موجب ضعف جهان اسلام و به ویژه ایران در قبال تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی شود؛

در حالی که جبهه متحد در برابر تهدیدهای اسرائیل می‌تواند تا حد زیادی آن کشور را ۲۵۱ در انزوا و موضع انفعال قرار دهد. البته ایجاد موضع یکپارچه و متحد با جهان اسلام مستلزم تعدیل در برخی از ابعاد جهت‌گیری ایران نسبت به مسأله فلسطین و نزدیک شدن به دیدگاه دیگر کشورهای جهان اسلام است. با این دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نه تنها، امنیت ملی خود را در مقابل تهدیدهای امنیتی اسرائیل محفوظ می‌دارد، بلکه با نخیره‌سازی نیروهای خود برای آینده، تدریج‌گرایی را در رسیدن به آرمانهای اسلامی خود سرلوحه استراتژی امنیت منطقه‌ای خود قرار می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. جمهوری اسلامی ایران. بیست و ششم دی ماه ۱۳۷۸.
۲. همان
۳. تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه خاورمیانه شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۷ ص ۴۲
۴. فصلنامه خاورمیانه، شماره ۲ و ۳ (پاییز ۱۳۷۷): ۴۲
۵. طاهایی، سید جواد. «اسماعیل (ع) یا اسحاق (ع) مطالعه‌ی تطبیقی درباره نگرشهای تاریخی صهیونیسم و انقلاب اسلامی». نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۸ (بهار ۱۳۷۷): ۱۹۲
۶. همان، ص ۱۸۶
۷. سجادی‌پور، محمد کاظم. «فصلنامه خاورمیانه»، سال اول، شماره ۲ (زمستان ۱۳۷۲): ۴۸۴.
۸. مجتهدزاده، پیروز. «جهان در سالی که گذشت». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چندم؟ شماره ۱۸۸ - ۱۸۷، ص ۲۷
۹. سیامک کاکابی. «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم شماره ۴۰: (زمستان) صفحه ۶
۱۰. علی رحیمی و «اسرائیل و بحران عراق؛ منافع و چالشها». نگاه، شماره ۲۲ اسفند ماه (۱۳۸۱).
۱۱. ابراهیم، متقی. «تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران». سیاست دفاعی سال پنجم، شماره: (بهار ۱۳۷۶) ۲۹. بهار ۷۶ ص ۲۹
۱۲. مجید مختاری «تهدیدهای امنیتی اسرائیل». نگاه، شماره ۱۷.
۱۳. پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۹
۱۴. علی رحیمی، پیشین، ص ۲۷
۱۵. مجتهدزاده پیروز «جهان سیاسی در سالی که گذشت». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چندم، شماره ۹۲ - ۹۱: ۱۲ ص ۱۲.
۱۶. رنجبر مقصود. «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۷۸): ۲۱۰.

۱۷. متقی ابراهیم، پیشین، ۳۱.
۱۸. سیف‌زاده سید حسین، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مباتی و قالبهای فکری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶): ص ۸۲
۱۹. باری بوزران، پیشین، ص ۱۱۷.
۲۰. لطفیان سعیده، «سیاست امنیتی اسرائیل»، فصلنامه خاورمیانه.
۲۱. افریم اینبار، خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲، بهار ۷۶
۲۲. افریم اینبار، پیشین، ص ۴۲
۲۳. انتخاب، ۸۲۴/۳۱، سی‌ویکم تیر ماه ۱۳۸۲، ص ۱ - ۳
۲۴. امیری مجتبی، «ایران - آمریکا، نگاهی دیگر»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۶-۹۵، ص ۱۹.
۲۵. فصلنامه خاورمیانه گزارش رویدادها، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱
۲۶. امیری مجتبی، پیشین، ص ۲۰
۲۷. ابراهیم، متقی، پیشین، ص ۴۹.
۲۸. میزگرد (امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه خاورمیانه
۲۹. اعتماد، سی‌ویکم تیر ماه ۱۳۸۲،
۳۰. مجتهدزاده پیروز، پیشین، ص ۲۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی